



کارش را درست انجام بدهد و به نتیجه دلخواه برسد.

چه عواملی؟

نوع مدیریت، بازیکنان و امکاناتی که یک باشگاه دارد؛ شکل و شیوه مدیریت و بودجه‌ای که دارند، مهم است. اینها در کنترل یک مربی نیست. مثلاً اگر با استقلال شروع کنی، وضعیت خاص خودش را دارد، تیم‌های صنعتی وضعیت منحصر به خود را دارند؛ به همین دلیل همه چیز مثل دوره بازی در اختیار من نیست که در زمین تنهایی توانی ام را نشان بدهم.

فکر نمی‌کنی کمی برای شروع دیر باشد؟ الان مربیانی در دنیا داریم که هم سن تو بودند، قهرمانی لیگ اسپانیا و چمپیونزلیگ را تجربه کردند. هرچه زمان گذشت متوجه شدم که عجله نکردن و شتابزده نبودن چقدر برایم خوب و مفید بود.

چرا؟

شاید اگر بعد از پایان بازی بلافاصله وارد مربیگری می‌شدم، بی‌سوادی فنی و کمبود تجربه‌ام به چشم می‌آمد و خودش را نشان می‌داد.

تو با این همه مربی کار کردی و در سطح بالای باشگاهی و ملی تجربه به دست آوردی، از بی‌سوادی و کم‌تجربگی و سواد پایین حرف می‌زنی. برای ما سؤال می‌شود که امسال و پارسال چطور خیلی‌ها حتی یک ساعت کلاس مربیگری تیم گرفتند؟

برای من هم سؤال است. وقتی در حال آموزش بودم و کلی مطالب جدید یاد می‌گرفتم - مطالبی که می‌دانم خیلی‌ها سالیان سال به آن نمی‌رسند - چطور خیلی‌ها بدون یک ساعت کلاس یک‌دفعه مسئولیت تیمی را قبول می‌کنند؟

بعضی‌ها البته در کلاس B و A آسیا شرکت داشتند اما تجربه مربیگری نداشتند...

من در کلاس A آسیا شرکت کردم؛ آنچه به ما آموزش دادند، اصلاً چیز عجیب و غریبی نبود و به دانش ما چیزی اضافه نکرد. با این کلاس‌ها و مدارک آدم نمی‌تواند مربی خوبی شود.

چیزهایی که پیش آقای چراغپور یاد گرفتی خیلی بالاتر از کلاس‌های A بود؟

خیلی خیلی بالاتر... من منسجم چیزهای تازه یاد می‌گرفتم. موضوعاتی که در هیچ کلاسی در ایران تجربه نکردم. من شاید ۳۰ تا ۴۰ ساعت درس گرفتم و شاید ۲-۳ ساعت از همان مباحث برای چند سال مربیگری کفایت می‌کرد. همیشه اذیت می‌شدم که بسیاری از مربیان با همین دانش کم یا مدیریت ضعیف و تمرین‌های معمولی و پیش پا افتاده و قدیمی، چطور در فوتبال ما مربیگری می‌کردند و می‌کنند. من در قبال بازیکنانی که خواهم داشت و مجموعه ۳۰-۲۰ نفری که در تیمم خواهند بود، احساس

مردم نتایج بد را فراموش نمی‌کنند و ته ذهن آنها می‌ماند که فلانی چه نتیجه‌ای گرفت. خیلی‌ها زود شروع کردند، زود هم تمام شدند. زمان یا فرصت مناسب برای شروع کار من تا امروز پدید نیامده. البته من نمی‌توانم مثل بعضی آدم‌ها به این و آن زنگ بزنم که برای من تیم جور کنید. خیلی مسائل هم گفتم نیست!

مثلاً چه مسائلی؟ (با خنده)

وضع فوتبال ما خیلی خراب است و در کل فوتبال ایران چیزی نیست که بخواهی به آن افتخار کنی و خودت را برایش به آب و آتش بزنی. این فوتبال آتش دهن سوزی نیست. در نهایت چیزی که از فوتبال ایران می‌بینی، جذاب نیست.

الان جذاب نیست یا زمان بازی خودت جذاب بود؟

زمان ما فوتبال بهتر بود و مردم شور و هیجان بیشتری داشتند. الان شاید خیلی از مردم ندانند چه بازیکنانی در چه تیمی بازی می‌کنند اما قبلاً ملوان یک تیم بومی با کلی استعداد بود که از همانجا به تیم ملی دعوت می‌شدند. یا سپاهان، تراکتور، فجر و بقیه تیم‌ها برای مردم آشنا بودند. تیم‌ها شخصیت، فلسفه، تاریخ و کاراکتر روشنی داشتند. همیشه نگران بودم تا مثل مربیانی نشوم که می‌گویند زمان ما چقدر فوتبال بهتر بود اما باید اعتراف کنم که زمان ما همه چیز بهتر بود. به فوتبال روز دنیا نگاه می‌کنم و رشد آنها را می‌بینم؛ انتظار داشتم فوتبال ایران هم رشد کند که نکرده.

منع جذب مربی و بازیکن خارجی چقدر روی پایین آمدن فوتبال ایران تأثیر گذاشته؟

با بازیکنان و مربیان خارجی لیگ جذاب‌تر بود و با استقبال مردم مواجه

داری. آیا شرایط برای کار مناسب و حرفه‌ای مهیاست؟ چقدر بازیکنان دریافتی داشتند و اصلاً این نفرات در چه سطحی قرار دارند و با آنها به کجا می‌شود رسید. همه اینها در موفقیت یک مربی نقش مستقیم دارد. وقتی اسکوپچ سرمربی تیم ملی شد، کسی نمی‌گفت او مربی خوبی است. بعد از نتایج و زحماتی که کشید، حالا جامعه فوتبال تا حدودی قانع شده که دراکان یک مربی خوب است. الان با اینکه اسکوپچ نتیجه گرفته، کلی حرف و انتقاد پشت سرش هست.

مثلاً چه حرف‌هایی؟

خیلی‌ها می‌گویند بازیکنان خوبی داشته، گروه سخت نبود، لژیونرها عامل موفقیت تیم ملی شدند والی آخر.

ولی این همه تعلل هم باعث دور شدن از فوتبال می‌شود؟ یک مثال بزنیم؛ نکونام همان ابتدا دستیار کی‌روش شد. بعد به خونه‌به‌خونه بابل رفت و نیم فصل به نساجی پیوست و این تیم را بالا آورد؛ جواد تا الان خوب نتیجه گرفته و مربی خوبی شده. اگر پیشنهادی مثل جواد از لیگ یک داشته باشی، حاضر و آماده برای کار هستی؟

لیگ یک کار کردن بد نیست؛ البته وقفه و دست ننگ داشتن من دلایلی داشت.

چه دلایلی؟

چند سالی است که درگیر کرونا هستیم و به همین دلیل مدتی صبر کردم و توجهم به خانواده بیشتر است؛ ریسک نکردم. البته پیشنهادهایی می‌آید اما با توجه به شرایط خانواده، جایگاه و شرایط تیم‌ها، ابتدا شرایط را بررسی می‌کنم. چون خیلی‌ها وارد مربیگری شدند و با چند نتیجه بد از صحنه فوتبال برای همیشه کنار رفتند.

مسئولیت می‌کنم. متأسفانه نتیجه و خروجی فوتبال ایران همین چیزی است که همه می‌بینیم و هیچ شباهتی به فوتبال روز دنیا ندارد.

بالاخره الان صاحب تجربه شدی، از یک جا باید شروع کنی و آموخته‌هایت را آموزش بدهی و خودت هم محک بخوری.

با شرایطی که فوتبال ایران دارد، احساس نمی‌کنم عقب می‌افتم. بارها با خودم فکر کردم که بروم و با فلان تیم و بهمان تیم کار کنم اما هرگز تیم ایده‌آلی که دلم می‌خواست، پیدا نکردم. مثلاً اگر به تیم‌های پایه بروی، روی آدم برچسب می‌خورد که فلانی مربی پایه است و نمی‌تواند در سطح بالاتری کار کند. یا اگر به لیگ یک بروی، بازهم برچسب‌های مشابه، یا می‌گویند فلانی لیگ دوپی است. در حالی که همه می‌بینیم خیلی‌ها مستقیم به لیگ برتر می‌روند و آزمون و خطاهایشان را در لیگ برتر می‌کنند.

در این مدت پیشنهادی از تیم‌های لیگ برتری داشتی؟

بله. چند مورد مطرح شد اما جواب منفی دادم؛ چون تیم، امکانات، ساختار و هدف مجموعه برایم مهم است. خیلی از تیم‌ها شرایط خوبی ندارند و ممکن است برایشان خیلی کار انجام بدهی، اما به دلایل مختلف نتیجه دلخواه کسب نشود و رزومه آدم در شروع کار آسیب ببیند. یک مثال بزنم.

بفرمایید...

وقتی بازیکن هستی، تقریباً کنترل همه چیز دست خودت است؛ حتی اگر ۱۰ دقیقه هم بازی کنی. در زمان بازی می‌توانی کیفیت و توانایی‌ات را به رخ بکشی اما در مربیگری اصلاً این‌طور نیست. وقتی مربی می‌شوی، کسی نمی‌گوید که چه نفرات و امکاناتی



وضع فوتبال ما خیلی خراب است و در کل چیزی نیست که بخواهی به آن افتخار کنی